

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۹

صفحات: ۸۱-۹۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

آزمون رابطه علی تعارضات زناشویی بر اساس مولفه های بخشودگی در زنان متقاضی طلاق

علی دلاور*

فرید احمدراد**

شادناز نادری***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر آزمون رابطه علی تعارضات زناشویی بر اساس مولفه های بخشودگی در زنان متقاضی طلاق است. جامعه آماری شامل کلیه زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر تهران در سال ۹۸-۹۹ می باشد. نمونه پژوهش ۲۵۷ نفر که به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. طرح پژوهش همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. به منظور جمع آوری داده ها از پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ) ذاکر و براتی (۱۳۸۷) و پرسشنامه بخشودگی (IFI) احتشام زاده و همکاران (۱۳۸۸) استفاده شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس روش معادلات ساختاری صورت گرفت. نتایج یافته ها نشان داد؛ که مولفه های بخشودگی (ارتباط مجدد و کنترل، کنترل رنجش و درک واقع بینانه) روابط مستقیم معنی داری با تعارضات زناشویی دارند و مدل از برازش مطلوبی برخوردار بود.

کلید واژگان: تعارضات زناشویی، بخشودگی، زنان متقاضی طلاق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رشته جامعه‌شناسی

*استاد گروه روانسنجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (ایمیل: Delevarali@yahoo.com)

**کارشناسی ارشد گروه سنجش و اندازه گیری (روانسنجی)، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول،

ایمیل: farid_ahmadrad@atu.ac.ir)

***کارشناسی ارشد گروه روان شناسی بالینی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (ایمیل: shadnaznaderi@gmail.com)

«تمام حقوق انتشار این اثر متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می باشد»

مقدمه

زندگی زناشویی یکی از جهانی ترین نهادهای بشری است که از دو نفر با توانایی ها، استعدادها، نیازها و علائق مختلف در یک کلام با شخصیت های گوناگون تشکیل شده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۱، ۲۰۱۲). رابطه زناشویی قادر به ارضای بسیاری از نیازهای روانی و جسمانی را در یک محیط امن بوده و تأثیر بسزایی بر سلامت و بهداشت روانی افراد دارد (شارف و شارف^۲، ۲۰۰۳)؛ در واقع چگونگی رابطه زناشویی نقش اساسی در جامعه ایفا می کند به گونه ای که سلامت رابطه زناشویی منجر به سلامت خانواده، (آماتو و لومیس و بوس^۳، ۱۹۹۵؛ شرم، مارشال، هریس و لی^۴، ۲۰۱۲) و سلامت خانواده به جامعه سالم منتهی می شود (سادوک، سادوک و کاپلان^۵، ۲۰۰۳)، به عبارتی دیگر هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده های سالم نمی تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تأثیر از خانواده پدید نیامده اند (عنایت و یعقوبی، ۱۳۹۱).

زوج هایی که رابطه زناشویی کارآمد و رضایت بخشی را دارند، سطح بالاتری از حمایت شدن، ارزشمندی (والتون و تاکوچی^۶، ۲۰۱۰)، سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی (یولکر^۷، ۲۰۰۸) را داشته و کمتر به مشکلات قلبی و عروقی (آرویدسو، پیتسون، نیلسون، اندرسون، ارویدسون، پیتسون، و فریدلوند^۸، ۲۰۰۶) دچار می شوند. هم چنین توانایی بالایی جهت مقابله با استرس های زندگی (آماتو، لومیس و بوس، ۱۹۹۵) را دارند. در همین راستا می توان بر تأثیر گذار بودن سلامت رابطه زناشویی بر کودکان نیز اشاره کرد در واقع مشکلات رابطه زناشویی به عنوان یک عامل خطر برای کاهش سلامتی در کودکان شناخته شده (ویتسون و ال شیخ^۹، ۲۰۰۳)؛ فرزندان افرادی که رابطه زناشویی سالمی دارند از خود کارآمدی و توانایی بهتر برای مقابله با مشکلات و نشانگان اضطراب، افسردگی، پریشانی روانی و اختلالات روان شناختی کمتری را گزارش می کنند (والتون و تاکوچی، ۲۰۱۰).

در سال های اخیر موضوع مشکلات زناشویی^{۱۰} به طور فزاینده ای مورد توجه قرار گرفته است (اشرودت، ویت و شیمگوسکی^{۱۱}، ۲۰۱۴)؛ چرا که در نهایت طلاق یکی از پیامدهای اختلافات زناشویی و یکی از پراسترس ترین وقایع زندگی محسوب می شود و با اختلالات جسمی و روانی در ارتباط است (کریستینسن و هیوی^{۱۲}، ۱۹۹۹). طلاق علاوه بر افراد، بر بیکره جامعه هزینه های بسیاری را تحمیل می کند (اسچرم^{۱۳}،

1. Goldenberg & Goldenberg
2. Sharff & Sharff
3. Amato, Loomis & Booth
4. Schramm, Marshall, Harris & Lee
5. Sadock, Sadock & Caplan
6. Walton & Takeuchi
7. Ulker
8. Arvidsson, Petersson, Nilsson, Andersson, Arvidsson, Petersson & Fridlund
9. Whitson & El-Sheikh
10. marital problems
11. Schrodtt, Witt & Shimkowski
۱۲. Christensen & Heavey
13. Schramm

۲۰۰۶). از جمله مواردی که ایجاد کننده‌ی مشکلات زناشویی قلمداد می‌شود می‌توان به تعارض^۱ زناشویی و بخشودگی^۲ اشاره کرد (فینچام، بیچ، استیون، دیویلا، جوآن، ۲۰۰۴).

افزایش تعارض زناشویی (لانگ و یانگ، ۲۰۰۶) و کاهش بخشودگی (پالری، رجالیبا و فینچام، ۲۰۰۵) منجر به فروپاشی زندگی زناشویی و فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی شده و نهایتاً طلاق زوجین در پی دارد (کفاشی و سرآبادانی، ۱۳۹۳).

تعارضات زناشویی^۳ یکی از مشکلات شایع زوج‌ها است (سایرز، کهن، فرسکو، بلاک و ساور، ۲۰۰۱) چرا که تعارضات در هر رابطه صمیمی اجتناب‌ناپذیر است (هالفورد، ۲۰۰۱؛ انسی و امر، ۲۰۱۴؛ گالینسکی و وایت، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر تعارض و اختلاف، قلب روابط عاشقانه است (ها، لیختاروک-آسوف و انگلس، ۲۰۱۳). گریف و براین^{۱۱} (۲۰۰۰) بر این باورند که فرایند تعارض زناشویی زمانی به وجود می‌آید که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل موردعلاقه او را سرکوب می‌کند. تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرحواره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (شارف و شارف، ۲۰۰۳).

تعارض ممکن است اشکال گوناگون داشته باشد و به صورت افسردگی یکی یا هر دو زوج، سوء رفتار با همسر و درگیری لفظی و فیزیکی بین هر دو زوج بروز پیدا کند (سایرز، کوهن و فرسکو، ۲۰۰۱). زمانی که فقدان توافق مشاهده می‌شود و نیازها برآورده نمی‌شوند، همسران نسبت به یکدیگر احساس خشم، ناامیدی و نارضایتی می‌کنند (ویلسون، اندریج، پنگ، بیلی، مالارکی و کیکولت گلاسر^{۱۳}، ۲۰۱۷).

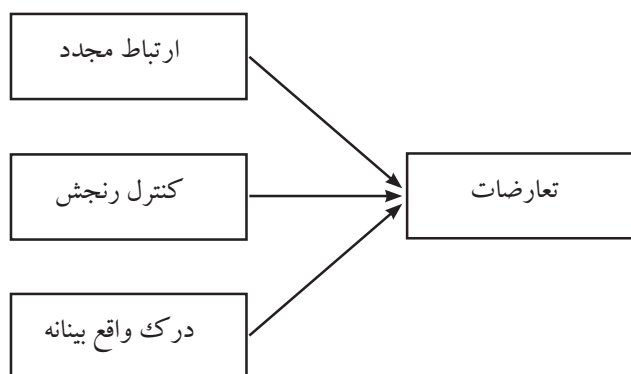
عامل بخشودگی^{۱۴} یکی دیگر از متغیرهایی است که امروزه در حوزه تعارضات زوج‌ها توجه محققان را به خود جلب کرده است. مفهوم بخشودگی به عنوان فرایند دست کشیدن از حق تلافی جویان متعاقب صدمه وارده تعریف شده است که شخص متألم رفتاری گرم و محبت‌آمیز را با فرد خاطی در پیش می‌گیرد (پلینگتون^{۱۵}؛ مک کالو، ورتینگتون و ریچل^{۱۶}، ۱۹۹۷).

1. conflict
2. forgiveness
3. Fincham, Beach, Steven & Davila
4. Long, Young
5. Paleari, Regalia & Fincham
6. marital conflicts
7. Sayers, Kohn, Fresco, Bellack & Sarwer
8. Halford
9. Onsy & Amer
10. Galinsky & Waite
11. Ha, Overbeek, Lichtwarck-Aschoff & Engels
12. Greeff & Bruyne
13. Wilson, Andridge, Peng, Bailey, Malarkey & Kiecolt-Glaser
14. forgiveness
15. Pingleton
16. McCullough, Worthington & Rachal

بخشودگی به عنوان یک تجربه هیجانی در درگیری و تعارض در روابط زن و شوهر به خاطر تصمیم گیری های مشترکی که اتخاذ می کنند امری طبیعی است. بخشش ابزاری مهم برای حفظ روابط پایدار و درازمدت بوده (ریپلی و ورتینگتون، ۲۰۰۲). به زوج ها برای مقابله با مشکلات موجود و پیشگیری از بروز آن ها در آینده کمک می کند (ورتینگتون و وید، ۱۹۹۹). گوردون، باکووم و اسنایدن^۳ (۲۰۰۰) مطرح کردند که بخشش در موقعیت هایی که تعهدات زناشویی با استانداردهای رابطه زیر پا گذاشته می شود، اهمیت دارد. در واقع بخشودگی می تواند استفاده از راه کارهای غیر مؤثر تعارض را که در اثر تخطی ها و تجاوزهای نابخشوده طرف مقابل حاصل شده اند از بین ببرد (فینچام و همکاران، ۲۰۰۴). بخشودگی منجر به افزایش سطح سازگاری (هیل، ۲۰۰۱) و حل تعارضات زناشویی (هیل، ۲۰۰۱؛ مک کالو، بلا، کیلیاتریک و جانسون، ۲۰۰۱؛ رانسلی، ۲۰۰۶) کاهش خشم و کینه (استاپ و پرلمن، ۲۰۰۱) احساس همدلی (استاپ و پرلمن، ۲۰۰۱) می شود. رضایت زناشویی (گوردون، هیوز، تامسیک، دیکسون و لیتزنگر، ۲۰۰۹؛ فینچام، ۲۰۰۰) می شود.

خانواده یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که تثبیت و تضمین سلامت فرد و بقای جامعه در این کانون شکل می گیرد. فرد نه تنها از نظر جسمی و زیستی بلکه از نظر عاطفی-روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد چرا که خانواده جایگاهی است که فرد می تواند با تکمیل شخصیت خویش آماده پذیرش نقش های اجتماعی گردد (ریاحی و همکاران، ۲۰۰۹). تعارضات زناشویی به وجود آمده در خانواده مسائل و مشکلاتی را در سطوح فردی، نهادی و اجتماعی به وجود می آورند. لذا، توجه به این مسئله و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی می تواند در سلامت جامعه و خانواده نقش اساسی و تعیین کننده داشته باشد (فینچام و همکاران، ۲۰۰۴). افزایش طلاق و مشکلات زناشویی و عواقب آن بر زندگی هر یک از زوجین، کودکان و هزینه هایی که برای جامعه دارد قابل ملاحظه است. با توجه به تاثیر گذار بودن تعارضات زناشویی و بخشودگی بر کاهش مشکلات زناشویی و موفقیت یا شکست در ازدواج و براساس شواهدی که گزارش شد، هدف پژوهش حاضر آزمون مدل معادلات ساختاری تعارضات زناشویی بر اساس مولفه های بخشودگی (ارتباط مجدد و کنترل، کنترل رنجش و درک واقع بینانه) در زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر تهران می باشد. شکل (۱) الگوی پیشنهادی پژوهش را نشان می دهد.

1. Ripl & Worthington
2. Worthington & Wade
3. Gordon, Baucom & Snyder
4. Hill
5. McCullough, Bellah, Kilpatrick & Johnson
6. Ransley
7. Staub & Pearlman
8. Gordon, Hughes, Tomcik, Dixon, & Litzinger
9. Fincham



شکل ۱. مدل مفهومی اثر مستقیم مولفه‌های بخشودگی بر تعارضات زناشویی

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه گیری: طرح پژوهش همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل تمامی زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر تهران بود. حجم نمونه ۲۵۷ نفر بود که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

روش اجرا

پس از هماهنگی، با مسئولین مجتمع قضایی خانواده شعبه میدان ونک تهران که اعلام همکاری کردند، جهت گرفتن مجوزهای لازم و ارائه‌ی توضیحات لازم در خصوص نحوه انجام پژوهش به مسئولین و زنان متقاضی طلاق که تمایل به همکاری و سواد کافی داشتند، به پرسشنامه‌های مربوطه پاسخ دادند. و در نهایت به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شد. جهت تحلیل داده‌ها از ماتریس همبستگی، تحلیل مسیر و برای برازش مدل مفهومی از نرم افزارهای SPSS۲۵ و AMOS۲۵ استفاده شد.

ابزار سنجش

الف) پرسشنامه بخشش (IFI): این پرسشنامه یک ابزار ۲۵ سؤالی است که برای سنجیدن بخشش بین فردی توسط احتشام زاده، احدی، عنایتی، و حیدری در سال ۱۳۸۹ تدوین شده است. این مقیاس ابتدا روی ۴۰۰ نفر (۲۳۷ زن و ۱۶۳ مرد) از دانشجویان دانشگاه اهواز اجرا شد. به منظور سنجش روایی مقیاس بخشش بین فردی، از اجرای هم زمان آن با خرده مقیاس بخشش در خانواده^۲ FFS (پولارد، اندرسون، اندرسون و جنینگر^۳، ۱۹۹۸)، خرده مقیاس توافق پذیری از پرسشنامه پنج عاملی شخصیت FFI-NEO^۴ (مک کری،

1. Interpersonal forgiveness Inventory
2. Family Forgiveness Scale
3. Pollard, Anderson, Anderson & Jennings
4. NEO Five Factors Inventory

کاستا، کاستا و مارتین^۱ (۲۰۰۵) و مقیاس پرخاشگری اهواز (AAL)^۲ (زاهدی فر، نجاریان، شکرکن، ۱۳۷۹) استفاده شد. ضریب بازآزمایی برای کل مقیاس و خرده مقیاس های آن به ترتیب برابر ۰/۷۱، ۰/۷۰، ۰/۶۸ و ۰/۵۸ می باشد و ضریب آلفای پرسش نامه برای مقیاس کل و خرده مقیاس های آن به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۷، ۰/۶۶، ۰/۵۷ بوده و مقدار ضریب آلفای پرسشنامه بخشش در پژوهش حاضر ۰/۸۲ می باشد. (ب) پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ)^۳: در سال ۱۳۷۵ بر اساس تجارب بالینی توسط ثنایی (۱۳۷۹) در ایران ساخته شده است. این پرسشنامه ۴۲ سؤالی است و برای سنجش تعارض های زن و شوهری استفاده می شود. این پرسشنامه هفت بُعد از تعارضات زناشویی را می سنجد که عبارتند از: کاهش همکاری، رابطه جنسی، افزایش واکنش های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر. ضریب پایایی برای کل پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۵۳ و ۰/۸۰ و از طریق بازآزمایی ۰/۹۲ و برای ۷ خرده مقیاس آن از این قرار ۰/۷۳، ۰/۶۰، ۰/۷۴، ۰/۸۱، ۰/۶۵، ۰/۸۱ و ۰/۶۹ به دست آمد که نمایان گر پایایی مناسب آن در جامعه ایرانی است (ثنایی، ۱۳۷۹) و در مطالعه حاضر ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد.

یافته ها

در این بخش ابتدا جداول مربوط به یافته های توصیفی و سپس یافته های مربوط به فرضیه های پژوهش ارائه شده است. در جدول زیر شاخص های توصیفی (میانگین، انحراف معیار و...) متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

تعارضات زناشویی	مقیاس ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ارتباط مجدد و کنترل	کنترل رنجش درک واقع بینانه
ارتباط مجدد و کنترل	۲۵۷	۳۱،۶۱	۵،۴۴	۱		
کنترل رنجش	۲۵۷	۱۶،۱۷	۳،۳۵	-۰/۳۸ (۰/۰۰۱)	۱	
درک واقع بینانه	۲۵۷	۱۹،۴۵	۲،۴۷	۰/۵۸ (۰/۰۰۱)	۰/۳۱ (۰/۰۰۱)	۱
تعارضات زناشویی	۲۵۷	۱۰۹،۳۴	۱۵،۷۵	۰/۷۵ (۰/۰۰۱)	-۰/۱۸ (۰/۰۰۱)	-۰/۴۵ (۰/۰۰۱)

در جدول فوق اطلاعات توصیفی مربوط به متغیر تعارضات زناشویی و متغیرهای ارتباط مجدد و کنترل، درک واقع بینانه و کنترل رنجش ارائه شده است. تمام ضرایب همبستگی بین متغیرها در سطح ۰/۰۱ معنی دار می باشد.

1. McCrae, Costa & Martin
2. Ahvaz Aggression Inventory
3. Marital Conflict Questionnaire

فرضیه اول: آزمون مدل علی تعارضات زناشویی بر اساس مولفه‌های بخشودگی (ارتباط مجدد و کنترل، کنترل رنجش و درک واقع بینانه) با داده‌های به دست آمده از نمونه برازش دارد.

جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص‌های مقتصد		شاخص‌های تطبیقی			شاخص‌های مطلق	
نسبت اقتصاد	ریشه خطای میانگین مجدورات تقریب	بrazندگی توکر - لويس	سطح معنی داری برازش تطبیقی		مجدور خی دو	شاخص برازش
PRATIO	RMSEA	TLI	CFI	P-Value	X ²	عنوان آماری
۰/۶۱۵	۰/۰۳۸	۰/۹۲۵	۰/۹۳۵	۰/۱۱	۲/۵۶	مقادیر

همان گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود جهت سنجش برازش مدل شاخص‌های برازش تطبیقی، برازش مطلق و مقتصد انجام شد و مدل نظری برازنده داده‌هاست. فرضیه دوم: مولفه‌های بخشودگی (ارتباط مجدد و کنترل، کنترل رنجش و درک واقع بینانه) رابطه مستقیم معناداری بر تعارضات زناشویی دارند.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد و مقادیر تی اثرات متغیرها

P	مدل پیشنهادی		B	مسیر
	نسبت بحرانی C.R	ضرایب غیراستاندارد B		
***	۴/۵۶	-۱/۵۹	۰/۵۲۹	ارتباط مجدد و کنترل → تعارضات زناشویی
***	-۳/۷	-۱/۷۴	-۰/۱۷	کنترل رنجش → تعارضات زناشویی
***	-۵/۸۴	-۱/۳۳	-۰/۴۴۵	درک واقع بینانه → تعارضات زناشویی

طبق مندرجات جدول ۳ وزن رگرسیونی ارتباط مجدد و کنترل بر تعارضات زناشویی ۰/۵۲۹ دارای معنی داری کمتر از ۰/۰۱ درصد، وزن رگرسیونی کنترل رنجش بر تعارضات زناشویی ۰/۱۷- دارای معنی داری کمتر از ۰/۰۱ درصد وزن رگرسیونی درک واقع بینانه بر تعارضات زناشویی ۰/۴۴۵- بوده دارای معنی داری کمتر از ۰/۰۱ درصد است.

فرضیه سوم: بین متغیرهای پیش‌بین (ارتباط مجدد و کنترل، کنترل رنجش و درک واقع بینانه) همبستگی معناداری وجود دارد.

جدول ۴. همبستگی بین متغیرهای پیش بین

کوربانانس			همبستگی	
P	.C.R	.S.E	برآورد	برآورد
***	۴/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۷۵ کنترل رنجش ↔ ارتباط مجدد و کنترل
***	-۳/۴۲	۰/۰۱	-۰/۰۴	درک واقع بینانه ↔ کنترل رنجش
***	-۳/۶۲	۰/۰۱	-۰/۰۵	ارتباط مجدد و کنترل ↔ درک واقع بینانه

طبق جدول ۴ مندرجات جدول همبستگی میان ارتباط مجدد و کنترل و کنترل رنجش ۰/۷۵ بوده و در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنی دار است. همبستگی میان درک واقع بینانه و کنترل رنجش ۰/۳۱- در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنی دار و همبستگی میان ارتباط مجدد و کنترل و درک واقع بینانه ۰/۳۸- در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنی دار است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به هدف پژوهش که آزمون رابطه علی تعارضات زناشویی بر اساس مولفه های بخشودگی (ارتباط مجدد و کنترل، کنترل رنجش و درک واقع بینانه) در زنان متقاضی طلاق بود. نتایج نشان داد که مولفه های بخشودگی روابط مستقیم معنی داری با تعارضات زناشویی دارند و مدل از برازش مطلوبی برخوردار بود. این یافته با تحقیقات فینچام و همکاران (۲۰۰۴) و لانگ و یانگ (۲۰۰۶) همخوانی دارد. از جمله مواردی که ایجاد کننده مشکلات زناشویی قلمداد می شود می توان به تعارض زناشویی و بخشودگی اشاره کرد (فینچام و همکاران، ۲۰۰۴)؛ بخشودگی فرایند چشم پوشی ارادی از حق عصبانیت و انزجار از یک عمل ارتكابی پرگزند است که شخص متألم رفتاری گرم و محبت آمیز را با فرد خاطی در پیش می گیرد، پس کسانی که در متغیر بخشودگی نمره بالاتری را کسب می کنند، بیشتر از خطاهای همسر خود چشم پوشی می کنند و تعارضات زناشویی کمتری را تجربه خواهند کرد. افرادی که توانایی بازسازی صمیمت بین فردی را دارند و از رفتارهای تلافی جویانه خوداری می کنند بهتر تعارضات زناشویی را حل می کنند؛ در واقع این افراد با عدم رفتار تلافی جویانه و بازسازی صمیمت کدورت هایی که در روابط زناشویی غیر قابل انکار است را از بین برده و اجازه نمی دهند مشکلات زناشویی جدی و غیر قابل حل به نظر برسند.

کنترل رنجش، که یکی از مولفه های بخشودگی است میزان نشخوار ذهنی و رنجش افراد را سنجش می کند. کسانی که پس از رنجش، کمتر به نشخوار ذهنی می پردازند، توانایی بیشتری برای بخشودن خطاهای بین فردی دارند. افرادی که رنجش صورت گرفته را به صورت نشخوار ذهنی مدام در ذهن خود مرور می کنند بیشتر به فکر اعمال تلافی جویانه بوده و نهایتاً به وخیم تر کردن تعارضات زناشویی موجود منجر می شود. درک واقع بینانه به درک شرایط مؤثر در خطا و پذیرفتن ویژگی جایز الخطا بودن انسان مربوط می شود (احتشام زاده، احدی، عنایتی و حیدری، ۱۳۸۹). دیدگاه افرادی که در زندگی زناشویی

اشتباهات و خطا را در روابط زناشویی معمول می‌دانند نسبت به مشکلات بیشتر به صورت حل مسئله است تا این که آن‌ها را غیر قابل حل بدانند؛ لذا افرادی که دید واقع‌بینانه‌ای به اشتباهات زناشویی دارند کمتر به تعارضات زناشویی دچار می‌شوند.

طلاق یکی از پر استرس‌ترین وقایع زندگی زنان در نظر گرفته می‌شود که علاوه بر زمینه ساز بودن اختلالات جسمی منجر به ایجاد اختلالات روانی نیز می‌شود و هزینه‌های سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌کند با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر افزایش تعارض زناشویی و کاهش بخشودگی هر کدام به نوبه‌ی خود منجر به فروپاشی زندگی زناشویی و فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی شده و نهایتاً طلاق را در پی خواهد داشت. لذا تدارک اقداماتی همچون؛ مشاوره، آموزش‌های ترمیم روابط و... که منجر به افزایش بخشودگی و کاهش تعارضات زناشویی می‌شود و نیز می‌تواند موجب کاهش آمار طلاق زنان شود.

تعارض منافع: نویسندگان تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد.

این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

منابع

- احتشام زاده، پروین، احدی، حسن، عنایتی، میرصلاح الدین، حیدری، علیرضا. (۱۳۸۹). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش بخشودگی بین فردی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۶ (۴): ۴۴۳-۴۵۵.
- ثنایی، باقر. (۱۳۷۹). *مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زاهدی‌فر، شهین، نجاریان، بهمن، شکرکن، حسین. (۱۳۷۹). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش پرخاشگری. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، ۷۳-۱۰۳، (۱-۲) ۷.
- عنایت، حلیمه و یعقوبی دوست، محمود. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین تعارض زناشویی با خشونت خانوادگی نسبت به دختران. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۳(۱۱)، ۳۰-۱.
- کفاشی و سرآبادانی. (۱۳۹۳). عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی دو گروه زنان متأهل خانه‌دار و شاغل شهر قم. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۳(۵)، ۱۵۳-۱۲۵.
- Amato, P. R., Loomis, L. S., & Booth, A. (1995). Parental divorce, marital conflict, and offspring well-being during early adulthood. *Social Forces*, 73(3), 895-915.
- Arvidsson, S. B., Petersson, A., Nilsson, I., Andersson, B., Arvidsson, B. I., Petersson, I. F., & Fridlund, B. (2006). A nurse led rheumatology clinic's impact on empowering patients with rheumatoid arthritis: A qualitative study. *Nursing & health sciences*, 8(3), 133-139.
- Fincham, F. D. (2000). The kiss of the porcupines: From attributing responsibility to forgiving. *Personal relationships*, 7(1), 1-23.
- Fincham, F. D., Beach, S. R., & Davila, J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of family Psychology*, 18(1), 72.

- Fincham, F. D., Beach, S. R., Steven, R., & Davila, J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage, *Journal of Family Psychology*, 18(1), 72-81.
- Galinsky A. G., & Waite L.J. (2014). Sexual activity and psychological health as mediator of the relationship between physical health and marital quality. *Journal of Gerontology series B: Psychology Sciences and Social Sciences*, 165 first published online.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). *Family therapy: An overview*. Cengage learning.
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2000). *The use of forgiveness in marital therapy*. In M. E. McCullough, K. I. Pargament, & C. E. Thoresen (Eds.), *Forgiveness: Theory, research, and practice* (pp. 203-227). New York: Guilford.
- Gordon, K. C., Hughes, F. M., Tomcik, N. D., Dixon, L. J., & Litzinger, S. C. (2009). Widening spheres of impact: The role of forgiveness in marital and family functioning. *Journal of family psychology*, 23(1), 1.
- Greeff, P., & Tanya De Bruyne, A. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 26(4), 321-334.
- Ha, T., Overbeek, G., Lichtwarck-Aschoff, A., & Engels, R. C. (2013). Do conflict resolution and recovery predict the survival of adolescents' romantic relationships?. *PloS one*, 8(4), 1-4.
- Halford, W.K.(2001). *Brief Therapy for Couples: Helping partners help themselves*. New York: Guilford Press.
- Hill, E. W. (2001). Understanding forgiveness as discovery: Implications for marital and family therapy. *Contemporary family therapy*, 23(4), 369-384.
- Long, L., & Young, G. (2006). *Counseling and therapy for couples*. CA: Thomson Brooks/Cole Pub.
- McCrae, R. R., Costa, Jr, P. T., & Martin, T. A. (2005). The NEO-PI-3: A more readable revised NEO personality inventory. *Journal of personality assessment*, 84(3), 261-270.
- McCullough, M. E., Bellah, C. G., Kilpatrick, S. D., & Johnson, J. L. (2001). Vengefulness: Relationships with forgiveness, rumination, well-being, and the Big Five. *Personality and social psychology bulletin*, 27(5), 601-610.
- McCullough, M. E., Worthington Jr, E. L., & Rachal, K. C. (1997). Interpersonal forgiving in close relationships. *Journal of personality and social psychology*, 73(2), 321.
- Onsy, E., Amer., M.M. (2014). Attitudes Toward Seeking Couples Counseling among Egyptian Couples: Towards a Deeper Understanding of Common Marital Conflicts and Marital Satisfaction. *Social and Behavioral Sciences*, 140, 470-475.
- Paleari, F.G. Regalia, C. & Fincham, F.D. (2005). Marital quality, forgiveness, empathy, and rumination: a longitudinal analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin* 3, pp. 368-378.
- Pollard, M. W., Anderson, R. A., Anderson, W. T., & Jennings, G. (1998). The development of a family forgiveness scale. *Journal of Family Therapy*, 20(1), 95-109.
- Ransley, C., & Spy, T. (Eds.). (2004). *Forgiveness and the healing process: A central therapeutic concern*. Routledge.
- Riply, J.S., & Worthington, E.L. (2002). Hope-focused and forgivenessbased group interventions to promote marital enrichment. *Journal of Counseling & Development*, 80, 452-463.
- Sadock, B. J. M. D., Sadock, V. A., & Caplan, M.D. (2003). *Synopsis of psychiatry behavioral sciences and clinical psychiatry. 9th edition*. John Wiley and sons, Nlw York.
- Sayers, S. L., Kohn, C. S., Fresco, D. M., Bellack, A. S., & Sarwer, D. B. (2001). Marital cognitions and depression in the context of marital discord. *Cognitive therapy and research*, 25(6), 713-732.

- Schramm, D. G. (2006). Individual and social costs of divorce in Utah. *Journal of Family and Economic Issues*, 27(1), 133-151.
- Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012). Religiosity, homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages. *Journal of Family Issues*, 33(2), 246-268.
- Sharff, J.S., Sharff, D.(2003). *Object relations and psychodynamic approaches to couple and family therapy*. Newyork: Brunner.
- Staub, E., & Pearlamn, L. A, (2001). Forgiveness. *Journal of Personality and social psychology*, 73 , 321 -336.
- Ulker, A. (2008). Mental Health and life satisfaction of young Australians: the role of family background. *Australian Economic Papers*, 47(2), 199-218.
- Walton, E., & Takeuchi, D. T. (2010). Family structure, family processes, and well-being among Asian Americans: Considering gender and nativity. *Journal of Family Issues*, 31(3), 301-332.
- Whitson, S., & El-Sheikh, M. (2003). Marital conflict and health: Processes and protective factors. *Aggression and Violent Behavior*, 8(3), 283-312.
- Wilson, S. J., Andridge, R., Peng, J., Bailey, B. E., Malarkey, W. B., & Kiecolt-Glaser, J. K. (2017). Thoughts after marital conflict and punch biopsy wounds: Age-graded pathways to healing. *Psychoneuroendocrinology*, 85, 6-13.
- Worthington Jr, E. L., & Wade, N. G. (1999). The psychology of unforgiveness and forgiveness and implications for clinical practice. *Journal of Social and clinical psychology*, 18(4), 385-418.



Examining The Causal Relationship of Marital Conflicts Based On the Components of Forgiveness in Women Seeking Divorce

A. Delavar*
F. Ahmadrad**
Sh. Naderi***

Abstract

The study intended to examine the causal relationship of marital conflicts based on the components of forgiveness in women seeking divorce. The statistical population included all women who referred to judicial centers in Tehran in 1998-99. The research sample subsumed 257 females who were selected by convenient sampling method. The research design was a correlation with structural equation type. In order to collect data, the Marital Conflict Questionnaire (MCQ) of Zakir and Barati, (2008) (1387) and the Forgiveness Questionnaire (IFI) of Ehteshamzadeh et al. (2009) (1388) were used. The data analysis method was based on the structural equation procedure. The results showed; The components of forgiveness (reconnect and control, control resentment and realistic perception) had a significant direct relationship with marital conflicts and the model had an optimum goodness of fit.

Keywords: forgiveness, marital conflicts, women seeking divorce

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* Professor in Department of Psychometrics, Alameh Tabatbaee University, Tehran, Iran.(Email: Delevarali@yahoo.com)

** M.A in Department of Psychometrics, Alameh Tabatbaee University, Tehran, Iran.(Corresponding author, Email: farid_ahmadrad@atu.ac.ir)

*** M.A. in Department of Clinical Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. (Email: hadnznaderi@gmail.com.com)